



دوشنبه، ۳۰ آگست، ۲۰۲۱

ترجمه و تحقیق: دوکتور نوراحمد خالدی

## در مورد شریعت اسلامی چه میدانیم؟

زمانی افغانستان یک کشور مدرن بود، عقاید مذهبی مسائل شخصی افراد شمرده میشد، دختران و زنان آزاد بودند بدون چادری و پوشاندن سر و صورت از خانه خارج کردند و پوشیدن برقع و چادری اجباری نبود، زنان و مردان میتوانستند باهم یکجا در پوهنتونها درس بخوانند، کار کنند و مسافرت نمایند. مردم آزاد بودند از موسیقی و سایر پدیده های فرهنگی مانند سینما، تلویزیون، کانسرتهای و غیره آزادانه لذت ببرند و از حقوق سیاسی و مدنی خود استفاده کنند. در کشور همسایه ایران وضع از این هم بهتر بوده با کشورهای اروپایی همسری میکرد. در تمام جهان، بجز از عربستان سعودی، این گونه آزادیهای اساسی بشری برای مردم از جانب دولتها تضمین شده اند، بشمول ۵۴ کشور اسلامی دنیا.

اما افغانستان تحت حاکمیت طالبان و ایران امروزی کاملاً با گذشته متفاوت اند. در ایران پوشیدن حجاب برای زنان اجباری است حتی مردان نباید ریش خود را بتراشند. پوشیدن لباسهای اروپایی به چشم بد دیده میشود پولیس مذهبی سرکها را نظارت میکند و حقوق مدنی مردم موجود نیست. این حالت در زمان حاکمیت طالبان در سالهای ۱۹۹۶-۲۰۰۱ در افغانستان نیز حاکم بود و با پیروزی اخیر طالبان، خطر آن موجود است که افغانستان نیز به آن دوران تاریک بازگشت نماید. در این دو کشور چه واقع شد؟ در ظاهر این دو کشور زیر حاکمیت قوانین شریعت اسلامی قرار گرفتند!

شریعت اسلامی یکی از موارد بسیار بحث بر انگیز در دنیا میباشد بخصوص بعد از اشغال نظامی افغانستان توسط طالبان آنها مکرراً اعلام کرده اند که بعد از این افغانستان را بر اساس شریعت اسلامی اداره خواهند کرد. به عبارته دیگر بعد از این افغانستان را با برداشت طالبان از آنچه شریعت اسلامی می پندارند اداره خواهند کرد؟ اداره افغانستان بر اساس شریعت اسلامی برای مردم افغانستان

چه معنی را در بر دارد؟ چه چیزی در افغانستان عوض خواهد شد؟ در عصر حاضر شریعت چه مقامی در جوامع دارد؟ چه تعداد مردم در جهان شریعت را اجرا میکنند؟ چرا این موضوع این قدر بحث بر انگیز است؟ چرا مردم جهان می ترسند اجرای شریعت به معنی عقب بردن افغانستان در زمان است؟ کوشیده میشود به این سوالات جواب داده شود.

بیا بید از سوال اول شروع کرده بدانیم که شریعت اسلامی چه است؟ ظاهراً قطع کردن دستها، دره زدن زنا کاران، و محدود کردن آزادیهای زنان از ظواهر اجرای شریعت اسلامی شمرده میشود! در واقع در زمانه های اخیر در جهان هیچ یک از مقررات دینی بیشتر از شریعت اسلامی طرف مباحثه و انتقاد قرار نگرفته است. دلیل این امر چیست؟ این به دلیل ندانستن، تفسیر غلط و استفاده ناجایز از شریعت توسط رژیمهای به اصطلاح اسلامی، زمامداران، سیاستمداران، ملاها و روحانیون، اسلامیهستهای افراطی و تروریستها بوده است. تمام این افراد با سوء استفاده از شریعت به نام خداوند حکومت میکنند.

بیا بید ببینیم شریعت چیست؟ یک معنی واحد را برای بیان شریعت نمیتوان خاطر نشان کرد زیرا شریعت توسط افراد و مقامات به انواع متفاوت و مختلف بیان و تطبیق میگردد. اما هرگاه تمام برداشتهای متنوع را در نظر بگیریم شریعت را میتوان بطور آتی تعریف نمود:

**شریعت سیستم حقوقی و روحانی اسلام از نظر الهی و فلسفی است. الهی از آن جهت است که خواسته خداوند برای بشریت است، و فلسفی از آن جهت، که برداشت بشر از خواسته های الهی میباشد.**

شریعت در زبان عربی به معنی "راه رسیدن به آب" معنی میدهد. تفسیر بشری شریعت بنام "فقه" یاد میگردد که به معنی "فهمیدن" است. اکثراً مفاهیم شریعت و فقه بطور متناوب طرف استفاده قرار میگیرند اما این دو با هم یکی نیستند. در حالیکه شریعت به معنی احکام الهی و حقیقت مطلق پنداشته میشود، اما فقه که دانش انسان از شریعت است برداشتها و احکام ایست که در طول قرنهای توسط دانشمندان اسلامی تنظیم گردید قابل بحث بوده مطابق زمان تغییر پذیر اند.

منابع فقه کدامها اند؟

۱. احکام قرآن مجید.

۲. "سنت" یا اعمال و کردار حضرت پیغمبر.

۳. "احادیث" یا ارشادات حضرت پیغمبر.

بر این اساس یک کتاب و یا قانون واحد و طرز العمل های واحد حقوقی و قانونی وجود ندارد که بر اساس آن بتوان بیان داشت که شریعت چیست. در حقیقت شریعت متشکل است از تفاسیر مختلف و اکثراً متفاوت که در طول قرن‌ها به پنج مذهب جداگانه شرعی اسلامی تقسیم شده اند: حنبلی؛ مالکی؛ شافعی؛ حنفی؛ و جعفری. در حالیکه چهار مذهب اولی همه سنی اند و "جعفری" برداشت شیعه از شریعت است. تمام این مذاهب بنام دانشمندان و مفسرینی نامگذاری شده اند که در زمانه های مختلف و در مناطق مختلف جغرافیایی جهان می زیسته اند.

**اول - مذهب حنبلی:** منبع اصلی شریعت در مذهب حنبلی قرآن مجید میباشد. از نقطه نظر تعداد پیروان، حنبلی کوچکترین همه است که مذهب رسمی در عربستان سعودی و قطر بوده در یمن، عمان، امارات متحده، بحرین و سوریه نیز پیروان زیاد دارد.

**دوم - مذهب مالکی:** که به تفسیر مستقلانه از قرآن متکی است در کشورهای مراکش و تمام افریقای غربی، سودان و کویت مورد تطبیق قرار دارد.

**سوم - مذهب شافعی:** متکی است به تفسیر واحد از احکام قرآنی. این مذهب عموماً در مصر و سایر کشورهای شرق افریقا و کشورهای جنوب شرق آسیا بشمول اندونیزیا و مالیزیا مورد استفاده قرار دارد.

**چهارم - مذهب حنفی:** بزرگترین، آزادترین و سابقه دارترین مذهب شرعی اسلام بوده و متکی به تفسیر واحد و هم مستقلانه احکام قرآنی میباشد. تقریباً یک سوم تعداد مسلمانان جهان پیرو این مذهب اند. اکثریت مسلمانان ترکیه، مصر، لبنان، اردن، آسیای مرکزی، افغانستان، پاکستان و بنگله دیش پیروان این مذهب میباشند.

**پنجم - مذهب جعفری:** که مذهب رسمی ایران را تشکیل داده پیروان زیاد در عراق و سایر کشورها هم دارد.

بدین اساس پنج تفسیر متفاوت از شریعت اسلامی در جهان موجود اند. این مذاهب چه تفاوت‌هایی از همدیگر دارند؟ این اختلافات و تفاوتها در اساسات دین موجود نبوده اما در نحوه عملکرد و تطبیق اسلام از هم متفاوت اند. این تفاوتها در نحوه اجرای عبادات مذهبی، حل مسائل حقوقی و قانونی، حل مسائل ازدواج، و اجرای جزأ بالای محکومین جنایات ظاهر میگردند. در حالیکه موجودیت چنین اختلافات قابل درک اند زیرا هیچ دین یکسان نیست، اما مشکل آنجا به میان می آید که دین با اداره دولت مزج میگردد و شریعت به عنوان جانشین قوانین مدنی پذیرفته میشود.

در واقعیت شریعت به مفهوم راه و رسم زندگی پیروان یک مذهب معین محسوب می‌گردد و نباید با قدرت سیاسی دولتی مزج کرد. در زمانیکه قدرتهای استعمار ممالک غربی اوج گرفت کلیسا و دولت در گسترش استعمار باهم نزدیک شدند. این عمل در کشورهای اسلامی نیز تکرار شد. اما در حالیکه بعداً کشورهای اروپایی دولت را از کلیسا جدا کردند در جهان اسلام این کار صورت نگرفت. زمانیکه استعمارگران اروپایی از ممالک مستعمره سابق در افریقا و آسیا بیرون رفتند رهبران ممالک تازه به قدرت رسیده اسلامی مواجه به این سوال بودند که آیا دولتهای خویش را بر اساس ضوابط شرعی قبل از استعمار اداره کنند و یا مطابق قوانین بجا مانده از دوران استعمار اروپاییان؟ تمام این ممالک شریعت اسلامی را در کنار قوانین مدنی مصوبه پارلمانها اساس اداره حقوقی ممالک خود قرار دادند. در حقیقت مقتضیات عصر و زمان موجودیت قانون اساسی و سایر قوانین مدنی را برای کشورهای جهان منجمله کشورهای اسلامی ناگزیر ساخته است. در افغانستان بر اساس قانون اساسی سال ۱۹۶۴ مسایل حقوقی متکی به احکام قوانین مدنی بود مگر اینکه در قوانین مدنی حکمی موجود نباشد در آنصورت به شریعت رجوع می‌گردید. ایران سلطنتی تا انقلاب سال ۱۹۷۹ یک کشور مدنی شمرده میشد اما از آنزمان به اینطرف مبدل به یک کشور مذهبی گردید که شریعت جعفری در آن حکمفرما میباشد. طالبان در سال ۱۹۹۶ قدرت را در افغانستان بدست گرفتند و به عوض قوانین مدنی، تنها شریعت را مورد استفاده قرار دادند.

در حالیکه در بسیاری از ممالک اسلامی، در کنار قانون اساسی و قوانین مدنی، پیروی از شریعت اسلامی در قوانین مسجل گشته است و شریعت به عنوان راه و رسم زندگی بسیاری مردم مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما تفاوت‌های فاحش در تفسیر و نحوه تطبیق آن شریعت را در بعضی کشورها قابل تحمل و در تعدادی دیگر به یک اختناق وحشتناک برای مردمان این کشورها مبدل ساخته است. در بعضی ممالک به جنبه‌های تبعیضی و جزائی شریعت اهمیت بیشتر داده شده بدون توجه به زمینه‌های تاریخی صدور آیات معینه در قرآن مجید، و یا زمینه‌های احادیث نبوی، بطور سلیقوی تعدادی احکام را انتخاب نموده اساس قوانین دولت قرار میدهند، مانند حجاب زنان، ریش نتراشیدن مردان، تعدد زوجات، طلاق، نکاح جهادی، سنت کردن دختران، همچنان تعداد اعمالیکه نه در قرآن و نه در احادیث آمده اند بلکه صرف به فرهنگ عنعنوی عربستان مربوط اند. بسیاری از پیروان شریعت این اختلافات و تفاوتها را نمی‌دانند و در نتیجه زمانیکه این افرطیون به قدرت دولتی دست می‌یابند زندگی را در جوامع مسلمان برای مردم طاقت فرسا ساخته و بخصوص سبب تبعیضات بسیار شدید بر ضد زنان شده حقوق اساسی مردم را از ایشان سلب میکنند. در حالیکه زنان در کنار

حضرت پیغمبر بکار مشغول بودند و در جنگها اشتراک کردند این حقایق را بسیاری ملاها نادیده می گیرند. سیاستهای تبعیضی در مقابل زنان تاجایی تعقیب میگردد که زنان را بدون محرم اجازه نمیدهند از خانه بیرون شوند، به کسب تعلیم پردازند و یا در جامعه و اداره دولت سهم گرفته به کار و اشتغال مشغول شوند.

گروههای افراطی سیاسی با سوء استفاده از شریعت برای رسیدن به مقاصد سیاسی دست به اسلحه می برند، به اعمال قهر آمیز دست میزنند، به قتل عام مردم بیگناه و بیدفاع میپردازند. این گروههای افراطی در دهات و قصبات زیر نام جهاد و شریعت برای رسیدن به مقاصد سیاسی به استخدام افراد نا آگاه میپردازند، کودکان و افراد بی خبر را به عنوان انتحاریون مورد استفاده قرار میدهند. تعدادی زیر تاثیر احساسات دینی با آنها یکجا میشوند، یکتعداد برای سرزمین خود میجنگند، تعدادی هم برای کسب پول با آنها یکجا میشوند و تعدادی هم نظر به فطرت آدمکشی خود با آنها شریک میشوند. این اعمال هیچ ارتباطی با شریعت اسلامی ندارد.

غالباً این گروههای افراطی توسط استخبارات ممالک مختلف ایجاد شده و یا زیر سایه نفوذ آنها در جهت پیشبرد منافع استراتژیک آنها فعالیت میکنند که افراد ساده لوح شامل صفوف آنها از این امر آگاهی ندارند.

فقه اسلامی بخصوص فقه حنفی، به مثابه تفسیر کننده احکام شرعی، با زمان تکامل کرده است و تکامل میکند. تفسیر عینی شریعت با شرایط و نیازمندیهای امروزی جوامع اسلامی در قرن بیست و یکم وظیفه خطیر دانشمندان و علمای کشور را تشکیل میدهد در غیر آن یک رژیم اختناق و دیکتاتوری زیر نام دین و مذهب بر جامعه مستولی خواهد شد که خلاقیت کاری، علمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را نابود خواهد کرد.

پایان